

بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

محمد باقر خرمشاد^۱، عبدالرضا سیفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲

چکیده

اگر چه با افول قدرت هژمون جهانی، سناریوها و احتمالات مختلفی برای نظام، جایگزین تک قطبی متصور می باشد، اما آنچه واضح و مبرهن است این است که جهان امروز در دوران گذار قرار داشته است و ساختارهای منبعث از نظام دوقطبی و تک قطبی توان لازم را برای اداره وضعیت جدید جهان ندارند. در سال‌های اخیر و با ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی مانند روسیه، چین، هند و... یکه تازی ایالات متحده در عرصه بین‌الملل با چالشی جدی مواجه شده است. این قدرت‌های منطقه‌ای با بهره‌گیری از رشد اقتصادی و ظرفیت‌های سیاسی مختلف، خواهان افزایش سهم خود در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی هستند. کشورهای برزیل، روسیه، چین، هند و افریقای جنوبی با تشکیل گروه کشورهای بریکس بلوک قدرت جدیدی را تشکیل داده‌اند که از قدرت قابل توجه و رو به رشدی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برخوردار بوده و می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات بین‌المللی ایفا کنند. در این مقاله به این سوال پاسخ داده می‌شود که چه عواملی در ارتقای سطح همگرایی بین ایران و بریکس موثر می‌باشد؟ با توجه به رویه و اصول ثابت انقلاب اسلامی مبنی بر عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ، نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی، عدالت‌طلبی، عدم وابستگی، حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و همچنین مخالفت و تلاش گسترده جمهوری اسلامی در نقد و به چالش کشیدن نظم تک قطبی امریکا محور، مشاهده می‌گردد. همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. همسویی بریکس با جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای موازنه سازی نرم در قبال ایالات متحده نقشی اساسی در نگاه ج.ا.ایران برای ارتقای سطح همکاری با بریکس را داشته است.

واژه‌های کلیدی: نظام بین‌الملل، قدرت‌های نوظهور، نظام چندقطبی، بریکس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

^۱ . استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mb.khorramshad@gmail.com

^۲ . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و آغاز رقابت میان دو بلوک شرق و غرب، جهان به عرصه جنگ سرد ما بین امریکا و شوروی تبدیل شد. با فروپاشی شوروی و تقسیم این کشور به کشورهای مختلف، دیگر بلوک قدرتمند جهان ضمن اعلام رهبری جهانی خود، تلاش نمود نظم نوین مطلوب خویش را به نظام بین الملل تحمیل نماید. در دوران تک قطبی جهانی ایالات متحده در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با فاصله گرفتن از کشورهای دیگر زمینه را برای تاثیرگذاری بر کلیه مناسبات بین المللی برای خود فراهم می دید. در سال های اخیر و با ظهور قدرت های جدید، یکه تازی امریکا با چالشی جدی مواجه شده است. کشورهای برزیل، روسیه، چین، هند و افریقای جنوبی با تشکیل گروه کشورهای بریکس بلوک قدرت جدیدی را تشکیل داده اند که از قدرت قابل توجه و رو به رشدی برخوردار می باشد. مجموعه کشورهای عضو بریکس از نظر وسعت، جمعیت، حجم اقتصاد و تولید ناخالص داخلی سهم قابل توجهی در سطح جهانی داشته، جمع شدن این کشورها در یک بلوک بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و باعث گمانه زنی هایی در مورد آینده و امکان همکاری دیگر کشورها خصوصا قدرت های منطقه ای مانند جمهوری اسلامی با این گروه شده است. در این مقاله ضمن تحلیل راهبرد ها و سیاست های کشورهای عضو بریکس در عرصه بین الملل، خصوصا نحوه مواجهه این کشورها با ایالات متحده امریکا، میزان همگرایی اهداف، راهبرد ها و سیاست های کشورهای گروه بریکس با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین الملل، خصوصا در رویارویی با ایالات متحده مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۱- چارچوب نظری

یکه تازی سالهای پایانی قرن بیستم امریکا در عرصه بین المللی و تلاش این کشور برای تحمیل نظام مطلوب سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی خود بر جهان در سالهای پس از جنگ سرد، در غالب نظام تک قطبی بین الملل قابل تعریف می باشد. اما امروزه و با تحولاتی که در عرصه های سیاسی و اقتصادی جهان به وجود آمده، رهبری بلامنازع امریکا در جهان با چالش ها و رقبای جدیدی مواجه شده است. یکی از این چالش ها سربرآوردن قدرت های نوظهور جهانی است که با بهره گیری از توان اقتصادی و سیاسی خود ضمن به چالش کشیدن نظام تک قطبی جهانی، به دنبال نقش آفرینی بیشتر در ساختار قدرت بین الملل هستند. از نظر کنت والتز نظام تک قطبی از بی ثبات ترین نظامهاست که در پایان به یک موازنه جویی در برابر قدرت هژمون خواهد انجامید. موازنه علیه قدرت تهدیدکننده به نظر می رسد راهبردی باشد که به صورت معمول به وسیله دولت ها دنبال می شود. دولت ها از راه ترکیب توانایی های داخلی خود و اتحاد با دیگران می

توانند موازنه را برقرارکنند (شفیعی، ۱۳۸۹: ۵۴) موازنه نرم در واقع در برابر نگاه قدیمی تر به موضوع موازنه که در قالب موازنه سخت قابل تعریف بود، قرار می گیرد. در موازنه سخت دولت ها به صورت مستقیم در برابر سلطه و نفوذ قدرت برتر می ایستند. موازنه سختبر مبنای اراده دولت های ضعیف در زمینه بهره گیری از مزیت های نظامی در راستای مقابله با دولت های قوی تعریف می گردد. در این میان، هدف متصور، می تواند بازداشتن دولت مزبور (قوی) از تهاجم یا کاهش موفقیت های آن در صحنه نبرد باشد. (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۳۵) اما موازنه نرم زمانی رخ میدهد که دولت ها به صورت عمومی توافقات و فهم امنیتی محدودشان با دیگران را به منظور موازنه با یک دولت تهدیدآمیز یا قدرت در حال خیزش، به هم پیوند زنند. نقطه تمرکز ادبیات موازنه نرم بیشتر مربوط به چگونگی کاهش و خنثی سازی قدرت دولت تهدید کننده بدون وارد شدن به یک مواجهه رودررو است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹) در واقع هر نوع تلاش غیر مستقیم و غیر نظامی کشورها برای کاهش قدرت هژمون و افزایش قدرت خود را می توان در قالب موازنه نرم تعریف نمود. اقدامات مختلف کشورها در قالب عملی نمودن موازنه نرم را به صورت های مختلفی تقسیم بندی نموده اند. یکی از این تقسیم بندی ها به شرح ذیل می باشد: ۱- تقویت قدرت اقتصادی ۲- مشروعیت زدایی ۳- نپذیرفتن واگذاری سرزمین ۴- عدم همکاری با قدرت برتر (شیرخانی، ۱۳۹۳: ۱۵۳) علاوه بر تقسیم بندی فوق، رابرت پاپ عوامل زیر را به عنوان اصول موازنه نرم برمی شمارد: ۱- عدم پذیرش سرزمینی ۲- دیپلماسی گیر انداختن ۳- تقویت قدرت اقتصادی ۴- عزم راسخ برای موازنه (شفیعی، ۱۳۸۹: ۵۶)

۲- نظام بین الملل امروزی

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده در استراتژی های امنیت ملی اش خود را به عنوان یک قدرت منحصر به فرد با توانمندی های غیر قابل انکار توصیف کرده است. بر اساس این برداشت، مقامات آمریکایی همواره از ایجاد یک نظام جهانی تک قطبی حمایت کرده و دیگر قدرت های بزرگ را به عنوان کشورهایی که همسو با جایگاه سیاسی آمریکا عمل خواهند کرد، دیده اند. در حالیکه واقعیت ها غیر این را نشان میدهند. با افول قدرت هژمون جهانی، سناریوها و احتمالات مختلفی برای نظام جایگزین تک قطبی متصور می باشد. آینده نظام بین الملل در قالب این سناریوها قابل تحلیل می باشد، همانگونه که موقعیت و جایگاه جمهوری اسلامی نیز در چارچوب این مدل ها قابل پیش بینی است. اندیشمندان حوزه روابط بین الملل الگوها، فرضیه ها و عناوین مختلفی را برای آینده نظام بین الملل پیش بینی نموده اند، که برخی از آنها عبارتند از: نظام یک-چند قطبی، نظام چند-تک قطبی، موازنه قوا، دو قطبی منعطف، دو قطبی

متصلب، نظام با حق و توی واحدها، نظام عالم گیر، نظام سلسله مراتبی، نظام بین الملل مبتنی بر امنیت دسته جمعی، نظام چند بلوکی، مدل واگرایی ملی، مدل پسا جنگ اتمی، مدل هژمونیک، الگوی ثبات مبتنی بر سیطره، نظام دو چند مرکزی و بالاخره نظام سه قطبی. (قوام، ۱۳۹۵: ۱۷۱) (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۸-۱۱) در میان این مدل ها آنچه با تحلیل شرایط موجود نظام جهانی بیشتر محتمل و متصور می باشد، ظهور نظام چند قطبی است. در واقع برهه زمانی حاضر در حال تغییر از نظام تک قطبی به نظام چند قطبی است. در گذشته ای نه چندان دور نیز ساموئل هانگتیتون استقرار نظام چند قطبی را محتمل دانسته بود. وی در آن دوران وجود نظام تک قطبی - چند قطبی را مرحله گذار ورود به نظام چند قطبی دانسته بود. (هانگتیتون، ۱۳۷۸: ۸۵) هنری کسینجر در این زمینه می نویسد: نظام بین المللی قرن بیست و یک دارای حداقل شش قدرت اصلی امریکا، اروپا، چین، ژاپن، روسیه و احتمالا هندوستان به اضافه کشورهای متوسط و کوچک خواهد بود. شش قدرت اصلی به پنج تمدن متفاوت اختصاص خواهد داشت. (حسینی، دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۵۳) شورای اطلاعات آمریکا (NIC) که یکی از نهادهای اصلی اطلاعاتی آمریکاست. در بخشی از گزارش خود در سال ۲۰۰۸ منتشر شده، آورده است: ((تا سال ۲۰۲۵، جامعه بین الملل ترکیبی از بازیگران متعدد علاوه بر دولت ملت ها خواهد بود که فاقد رویکرد سلطه جویانه برای اداره جهانی خواهند بود. برجسته ترین ویژگی نظم نوین تغییر ساختار از جهانی چند قطبی تحت سلطه آمریکا به ترکیبی از قدرت های سنتی غیرساختاری و ملت های در حال ظهور و پراکندگی قدرت از عوامل دولتی به عوامل غیردولتی است.)) (Global Trends 2025, 2008: 12) استقرار نظام چند قطبی در آینده نزدیک از سایر نظام های بدیل محتمل تر است. چون، نظام بین الملل موجود در حال میل از یک نظام تک-چند قطبی به سوی یک نظام چند-تک قطبی است. در نظام بین الملل تک چند قطبی و چند-تک قطبی هیچ یک از قدرت های بزرگ و ابرقدرت تنها از نظم موجود راضی نیستند با این تفاوت که در نظام تک -چند قطبی هنوز غلبه با کفه تک قطبی است، درحالی که در نظام چند-تک قطبی کفه ترازو به نفع نظام چند قطبی سنگینی می کند. جایگزین نظم تک-چند قطبی با روند میل به یک نظام چند-تک قطبی یک نظام چند قطبی خواهد بود تا نظام تک قطبی یا هژمونیک؛ چون، از یک سو، تفوق و برتری بلامنازع آمریکا رو به افول است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۸-۱۱). براین دو تغییر و تحول به معنای جایگزینی نظام یک-چند قطبی و چند-تک قطبی با نظام چند قطبی است. از این رو، احتمال دارد که در آینده قدرت جهانی به گونه ای توزیع شود که سه یا چند کشور بزرگ مانند روسیه، چین، هند و اروپا در کنار آمریکا به عنوان قطب های قدرت ظهور کنند و سایر کشورها نیز با آنها ائتلاف کرده و متحد شوند. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴: ۱۸) چند قطبی وضعیتی از توزیع قدرت است که در آن چند دولت دارای مقادیری نزدیک از توان نظامی، فرهنگی و اقتصادی می باشند که تنظیم نظم بین الملل را توأمان بر عهده دارند. (فرزاد جهانیان، ۱۳۹۴: ۱۵۴) به این ترتیب، نظام چند قطبی، نظامی است که می تواند از سه قطب به بالا را در

برگیرد. چند قطبی بودن نظام، از احتمال یک مسابقه تسلیحاتی می‌کاهد، زیرا در این حالت هر کشور تنها به آن بخش از افزایش هزینه‌های تسلیحاتی یک قدرت رقیب واکنش نشان می‌دهد که به روشنی متوجه خودش باشد. (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) در نظام چند قطبی، هر قدرتی ممکن است نظام تک قطبی را که خود در آن تنها قدرت مسلط است ترجیح دهد، ولی با مقاومت دیگر قدرت‌ها برای جلوگیری از تحقق چنین وضعی رو برو خواهد شد. (هانگتیتون، ۱۳۷۸: ۸۳) در این دوران نقش بازیگران منطقه‌ای همچون اپک، سازمان ملل متحد، اتحادیه‌های عرب، اتحادیه آفریقا، آسه‌آن، بریکس، پیمان شانگهای و... را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. امروزه منطقه‌گرایی و قدرت‌های منطقه‌ای از واقعیت‌های غیر قابل انکار نظام جهانی موجود به شمار می‌آیند. همانگونه که نقش فزاینده بازیگران غیر دولتی نیز قابل کتمان نیست. وضعیتی که در آن دیگر این تنها ایالات متحده نیست که به عنوان قدرت بلامنازع سیاسی، نظامی، اقتصادی و... نقش آفرینی می‌نماید، بلکه آنچه که واقعیت دارد این است که به نوعی قدرت در میان سطوح مختلفی از کشورها و اتحادیه‌ها در سرتاسر جغرافیای جهان تکثیر گردیده است.

۳- بریکس

بریکس به مجموعه‌ای از قدرت‌های نوظهور اطلاق می‌شود که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است. در ابتدا نام این گروه بریک نام داشت اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. بر اساس برآورد آماری سال ۲۰۱۹ اعضای بریکس بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان (worldometers, 2019) ۲۵ درصد از سرزمین‌های جهان و ۳۳ درصد از حجم تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارند (ایزدی، خوشیانی، ۱۳۹۴: ۴۵). از نظر وسعت اعضای بریکس، وسیع‌ترین کشورهای جهان را در اختیار دارند که روسیه وسیع‌ترین کشور جهان (حدود ۱۷ میلیون کیلومتر مربع)؛ چین سومین (۹/۶۴)؛ برزیل پنجمین (۸/۵۱)؛ هند هفتمین (۳/۲۸) و آفریقای جنوبی بیست و چهارمین (۱/۲) کشور وسیع جهان می‌باشد. (رضایی اسکندری، ۱۳۹۳) اولین اجلاس گروه بریکس در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکتاترینبورگ روسیه برگزار گردید. در این اجلاس کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان متمرکز گردیدند. بیانیه مشترک سران کشورهای بریک در نشست یکتاترینبورگ، به دو هدف اشاره دارد: ۱) تاکید بر ایفای نقش محوری به منظور حل بحران‌های مالی بین‌المللی (۲) همکاری فراسوی مباحث اقتصادی. در این بیانیه مشترک بر حمایت بیشتر از نظم جهانی چند قطبی و دمکراتیک بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل، برابری، احترام متقابل، همکاری، اقدام هماهنگ و تصمیم‌سازی جمعی همه

دولت‌ها تاکید شده است. در این بیانیه تمایل مشترک اعضای گروه در راستای مقابله با جهان تک قطبی که در آن امریکا قدرت برتر است مشهود می‌باشد. ولادمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه پیش از شرکت در آخرین نشست بریکس تصریح کرد که بریکس یکی از عناصر کلیدی جهان چند قطبی در حال پیدایش است. انتقاد اعضای بریکس از سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تصمیم به ایجاد ذخایر مشترک ارزی بین کشورهای عضو، پیشنهاد طراحی واحد پول جدیدی به نام بریسکو، تاکید اعضای بریکس بر لزوم نظارت بر نهادهای مالی بین‌المللی و... همه و همه دلایلی است که نشان می‌دهد اعضای بریکس در حال رویارویی در برابر قدرت هژمون بین‌الملل و با اتخاذ رویکرد موازنه نرم هستند. لذا با فرض این مواجهه میان قدرت‌های عضو بریکس و ایالات متحده به بررسی اصلی‌ترین اقدامات اعضای بریکس در قالب موازنه نرم می‌پردازیم.

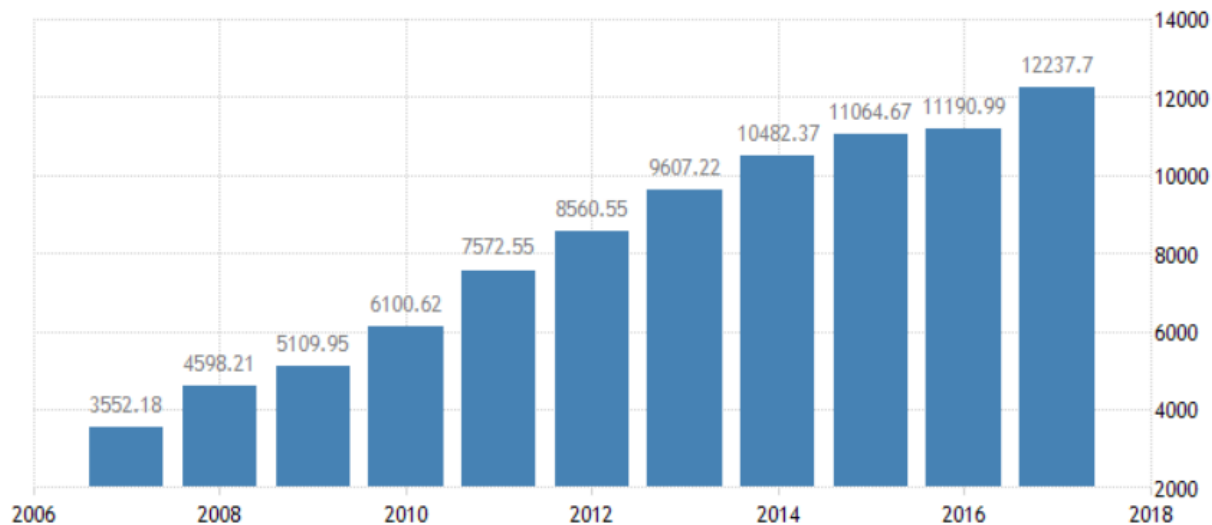
۳-۱- قدرت اقتصادی اعضای بریکس

تقویت قدرت اقتصادی کشورها در برابر قدرت برتر جهانی یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های عملی نمودن موازنه نرم است. با تاکید بر این سیاست، قدرت‌های نوظهور جهانی می‌توانند در ابعاد مختلف موازنه قدرت تک قطبی جهانی را به چالش کشیده و اهداف خود را در سطح جهان دست‌یافتنی‌تر نمایند. قدرت‌های نوظهور بریکس نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این مقاله با هدف نشان دادن تصویری واقعی از قدرت اقتصادی کشورهای عضو بریکس، شاخص تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، درآمد سرانه و صادرات کشورها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱- تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس

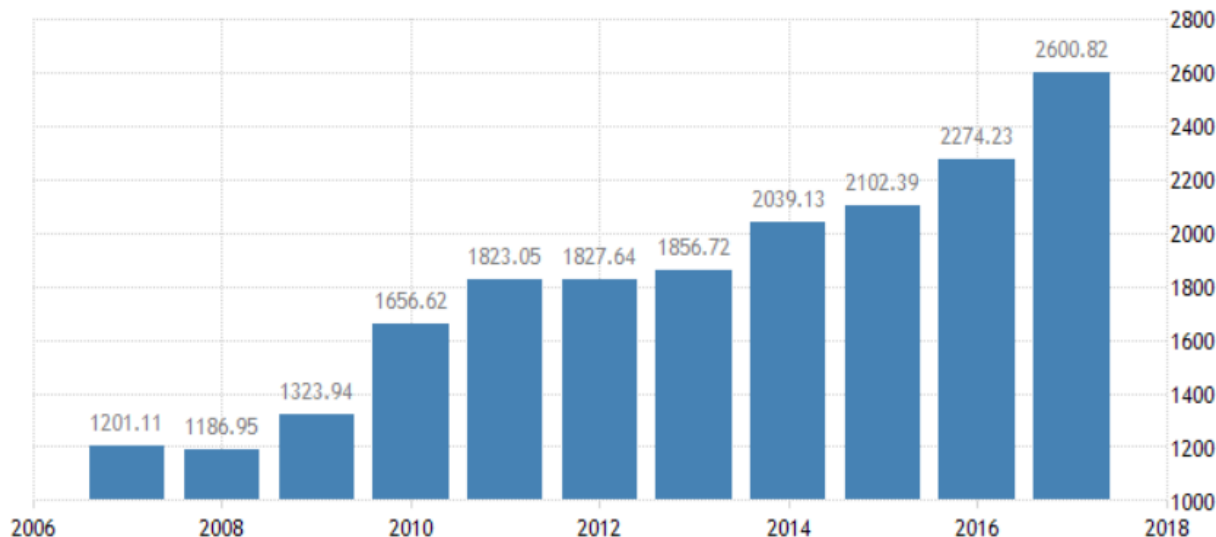
تولید ناخالص داخلی GDP یکی از مقیاس‌های اندازه‌گیری در اقتصاد است. در سالهای اخیر کشورهای عضو بریکس تولید ناخالص بالایی را به خود اختصاص داده‌اند. بالاترین کشورهای دارای تولید ناخالص داخلی جهان (بر اساس برابری قدرت خرید) در سال ۲۰۱۴ طبق آمار ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول به ترتیب عبارتند از: چین، امریکا، هند، ژاپن، آلمان، اندونزی، روسیه، برزیل، انگلیس و فرانسه (World Economic, 2019) در واقع با توجه به رتبه بندی فوق ملاحظه می‌گردد بجز افریقای جنوبی مابقی اعضای بریکس در میان ده کشوری قرار دارند که بالاترین رتبه‌های تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. رشد تولید ناخالص داخلی این کشورها پدیده‌ای معاصر می‌باشد. در این خصوص می‌توان به آمار و نمودارهای زیر اشاره نمود:

نمودار ۱- رشد تولید ناخالص داخلی چین بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷



SOURCE: TRADINGECONOMICS.COM | WORLD BANK

نمودار ۲- رشد تولید ناخالص داخلی هند بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴



SOURCE: TRADINGECONOMICS.COM | WORLD BANK

در جدول زیر به صورت مقایسه ای تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس و امریکا در سه بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ برحسب میلیارد دلار و در نظر گرفتن شاخص قدرت خرید مورد مقایسه قرار گرفته است: (شیرخانی، ۱۳۹۳:

نام کشور	۲۰۰۱	۲۰۱۲	۲۰۱۴
برزیل	۱۲۷۸۸۸۴	۲۳۵۵۵۸۶	۳۲۷۵۷۹۹
روسیه	۱۲۰۴۵۵۶	۲۵۱۳۲۹۹	۳۵۷۶۸۴۱
هند	۱۶۶۹۴۰۲	۴۶۸۴۳۷۲	۷۴۱۱۰۹۳
چین	۳۳۳۸۹۱۹	۱۲۴۰۵۶۷۰	۱۸۰۸۸۰۵۴
افریقای جنوبی	۳۱۰۷۲۵	۵۸۲۳۹۱	۷۰۷۰۹۷
بریکس	۷۸۰۲۴۷۶	۲۲۵۴۱۳۱۸	۳۳۰۵۸۸۸۴
ایالات متحده امریکا	۱۰۲۸۶۱۷۵	۱۵۶۸۴۷۵۰	۱۷۳۴۵۰۷۵

جدول شماره ۱- مقایسه ای تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس و امریکا در سه بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ و

منبع: آمار صندوق بین‌المللی پول

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌گردد در حالی که مجموع تولید ناخالص کشورهای عضو بریکس در سال ۲۰۰۱ میلادی ۲۴۸۳۶۹۹ دلار کمتر از ایالات متحده بوده است، این رقم در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۶۸۳۶۵۶۸ و ۱۵۷۱۳۸۰۹ دلار از تولید ناخالص امریکا بیشتر بوده است. بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس در سال ۱۹۹۵ حدود هفت درصد از کل تولید ناخالص جهان بوده، در حالیکه پس از گذشت چهارده سال این رقم به بیش از ۱۵ درصد رسیده است. بر اساس آمار ارائه شده از تولید ناخالص داخلی کشورها در سال ۲۰۱۸ سهم کشورهای بریکس از کل تولید ناخالص داخلی جهان به حدود ۳۲ درصد رسیده است. (imf,2019)

۳-۱-۲- درآمد سرانه کشورهای بریکس

در جدول زیر درآمد سرانه هر یک از کشورهای بریکس و امریکا در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۱۲ بر اساس قیمت های سال ۲۰۱۲ برحسب دلار و تغییراتی که طی این سالها در میزان رخ داده مورد بررسی قرار گرفته است. جدول زیر بر اساس شاخص برابری قدرت خرید تدوین شده است. (شیرخانی، ۱۳۹۳: ۱۵۹)

نسبت تغییر در طول دوره	۲۰۱۲	۲۰۰۱	
۱/ ۶۴ برابر	۱۱۸۷۵	۷۲۳۰	برزیل
۲/ ۱۵ برابر	۱۷۷۰۸	۸۲۳۳	روسیه
۲/ ۳۹ برابر	۳۸۲۹	۱۵۹۹	هند
۳/ ۵ برابر	۹۱۶۱	۲۶۱۶	چین
۱/ ۶۴ برابر	۱۱۳۷۵	۶۹۰۰	آفریقای جنوبی
۲ / ۲۶ برابر	۵۳۹۴۸	۲۶۵۷۸	بریکس
۱/ ۳۸ برابر	۴۹۹۲۲	۳۶۰۶۴	ایالات متحده امریکا

جدول شماره ۲- درآمد سرانه کشورهای بریکس و امریکا

بر اساس آخرین آمار ارائه شده از سوی صندوق بین المللی پول درآمد سرانه کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۸ به شرح ذیل می باشد: چین ۱۸،۱۱۰ دلار، برزیل ۱۶،۱۵۴ دلار، هند ۷،۸۷۴ دلار، روسیه ۲۹،۲۶۷ دلار، آفریقای جنوبی ۱۳،۶۷۵ دلار (World Economic, 2019).

۳-۱-۳ رشد اقتصادی کشورهای بریکس

در حالیکه نرخ رشد اقتصادی ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۱۲ برابر با ۱،۷ درصد بوده این عدد برای کشورهای عضو بریکس به شرح ذیل بوده است: چین ۹،۲، هند ۷،۲، روسیه ۴،۳، آفریقای جنوبی ۳،۱ و برزیل ۲،۷ درصد

^۱ . برای محاسبه درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی کشور را بر جمعیت تقسیم کرده عدد به دست آمده برابر با درآمد سرانه کشور است.

همانطور که مشاهده می‌شود در این سال نرخ رشد اقتصادی همه کشورهای بریکس بالاتر از آمریکا بوده است. بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی کشورهای عضو بریکس در سال ۲۰۱۵ به شرح ذیل بوده است: چین ۶.۹۰، هند ۷.۶، روسیه ۳.۹، افریقای جنوبی ۱.۴ و برزیل ۳- درصد

لازم بذکر است در این سال رشد اقتصادی آمریکا ۲.۶ درصد بوده است. (World Economic Outlook, 2016)

۳-۱-۴ آینده تحولات اقتصادی جهان و جایگاه بریکس

آینده تحولات اقتصادی جهان با رشد قدرت‌های نوظهور اقتصادی پیوند خورده است. کارشناسان اقتصاد بین‌الملل با توجه به ظرفیت‌های مختلف اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف در خصوص میزان رشد و جایگاه این کشورها پیش‌بینی‌های مختلفی نموده‌اند، که به رغم تفاوت اندکی که در پیش‌بینی‌های ایشان وجود دارد، از روند رو به رشد قدرت و جایگاه قدرت‌های نوظهور مانند اعضای بریکس و نقش آفرینی این کشورها در ساختار قدرت بین‌المللی حکایت دارد. پیش‌بینی میزان تولید ناخالص داخلی کشورها به روش برابری در قدرت خرید و به قیمت ثابت سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که چین در انتهای دهه ۲۰۲۰ از اتحادیه اروپا و در اواسط دهه ۲۰۳۰ از آمریکا و هند نیز در انتهای دهه ۲۰۷۰ از اتحادیه اروپا و پیرامون سال ۲۰۹۰ از آمریکا پیشی خواهند گرفت. همچنین برزیل از نیمه این قرن از روسیه و پیرامون سال ۲۰۸۰ از ژاپن پیش خواهد افتاد. (ترکمانی، ۱۳۹۱: ۲۰۳) طبق تحقیقات صورت گرفته توسط موسسه تحقیقاتی PWC در مورد تغییر ترکیب قدرت‌های برتر اقتصادی در خصوص تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) باید گفت که در سال ۲۰۱۴ آمریکا در جایگاه اول، چین در جایگاه دوم و ژاپن در جایگاه سوم قرار دارد. اقتصاد چین در سال ۲۰۲۸ از اقتصاد آمریکا پیشی خواهد گرفت و در جایگاه نخست قرار خواهد گرفت. در سال ۲۰۵۰ نیز چین، آمریکا و هند به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را خواهند داشت و همچنین اندونزی، مکزیک و نیجریه در بین ۱۰ قدرت برتر اقتصادی دنیا قرار خواهند گرفت. (The World in 2050, 2015:3) فصل مشترک همه پیش‌بینی‌های بالا رشد قدرت‌های نوظهور جهانی خصوصا کشورهای عضو بریکس در دهه‌های پیش رو و افول قدرت هژمون بین‌الملل یعنی ایالات متحده در ابعاد مختلف و خصوصا اقتصادی است.

۳-۲- سایر ابعاد سیاست موازنه نرم بریکس

همانطور که پیش از این اشاره شد، اندیشمندان روابط بین الملل در تعریف سیاست موازنه نرم، روش های مختلفی را جهت اجرایی نمودن این سیاست ها معرفی نموده اند. علاوه بر تقویت قدرت اقتصادی عواملی مانند مشروعیت زدایی^۱، عدم پذیرش سرزمینی و نپذیرفتن واگذاری سرزمین^۲، عدم همکاری با قدرت برتر، دیپلماسی گیر انداختن^۳ و عزم راسخ برای موازنه به عنوان اصول سیاست موازنه نرم ذکر شده است که در ادامه برخی از اقدامات مستقل و یا مشترک کشورهای اعضای بریکس، که قابلیت تحلیل طبق این اصول را دارد آورده شده است.

۳-۲-۱- مشروعیت زدایی از قدرت برتر

- زیر سوال بردن مشروعیت دلار آمریکا در مبادلات اقتصادی و تلاش برای وارد نمودن واحد پول جدیدی به نام بریسکو یا جهان روا کردن یوان توسط چین

- مخالفت اعضای بریکس با ریاست انحصاری آمریکا بر بانک جهانی در سال ۲۰۱۲

- مخالفت اعضای بریکس با حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳

- رویارویی غیر مستقیم آمریکا و روسیه در سوریه و تلاش برای جلوگیری از سقوط بشار اسد

- رویارویی غیر مستقیم آمریکا و روسیه در اوکراین و انضمام کریمه به روسیه

۳-۲-۲- نپذیرفتن واگذاری سرزمین یا عدم پذیرش سرزمینی

- مخالفت کشورهای بریکس با استفاده آمریکا از سرزمین کشورهای خود در جریان مداخلات نظامی آمریکا (مخالفت

چین با استفاده از سرزمین های خود در جریان حمله آمریکا به افغانستان)

۱. در این روش مخالفان قدرت برتر جایگاه برتر ابرقدرت را زیر سوال می برند

۲. منع یک قدرت از دستیابی و استفاده از سرزمین کشور دیگر برای مقاصد نظامی

۳. از آنجایی که قدرتهای برتر نمی توانند تصمیمهای سازمان های بین المللی را نادیده بگیرند و به هدف های خود بدون توجه به آنها دست یابند، بر این اساس دولت های دیگر می توانند با استفاده از این نهادها قدرت هژمون را برای جنگ یا حمله کاهش دهند و از این راه برای آمادگی بیشتر جهت دفاع از خود فرصت های مناسبی به دست آورند.

- مخالفت چین و روسیه با استقرار پایگاه های نظامی آمریکا در مناطق مختلف اطراف قلمرو خود به دلیل نگرانی استراتژیکی که حضور آمریکا در اطراف خود را تهدیدی اساسی برای امنیت و منافع خویش ارزیابی می کنند.

-مخالفت روسیه با استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در ترکیه و اروپای شرقی

-عدم وجود پایگاه نظامی امریکا در هیچکدام از کشورهای عضو بریکس (مخالفت برزیل با درخواست امریکا جهت ایجاد پایگاه نظامی در این کشور در سال ۲۰۰۲)

۳-۲-۳- عدم همکاری با قدرت برتر

- تاسیس سازمان های بین المللی جدید مانند سازمان همکاریهای شانگهای، جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (سلاک)

- تقویت جایگاه G20 که همه کشورهای بریکس عضو آن می باشند در برابر G7^۱

-وتوی قطع نامه های امریکا و کشورهای غربی در خصوص سوریه در شورای امنیت توسط اعضای بریکس

۳-۲-۴- دیپلماسی گیر انداختن

- درخواست کشورهای عضو بریکس برای اصلاح ساختار سازمان ملل متحد و تلاش برای ورود اعضای جدید به شورای امنیت

-تلاش اعضای بریکس برای اصلاحات در صندوق بین المللی پول در راستای منافع کشورهای در حال توسعه

- تلاش کشورهای عضو بریکس برای تقویت نقش سازمان های بین المللی

۳-۲-۵- عزم راسخ برای موازنه

-مخالفت اعضای بریکس با تحریم های اقتصادی یک جانبه امریکا در قبال کشورهای دیگر

-مخالفت کشورهای بریکس با دخالت های نظامی امریکا در کشورهای مختلف

^۱ . گروه ۲۰ یا گروه بیست اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دائمی) و مسولان بانکهای مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیاست.

^۲ . گروه هشت جی هشت یا جی ۸ (که فعلا گروه هفت شده) یا از هفت کشور صنعتی جهان تشکیل شده است. کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و کانادا این هفت کشور را تشکیل می دهند.

- تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات فرهنگی میان کشورهای عضو بریکس در مقابل ترویج فرهنگ امریکایی (تاسیس آکادمی سینمایی بریکس به پیشنهاد نارندرا مودی، نخست وزیر هند و برگزاری اولین دوره آن با عنوان شیر طلایی در ژوهانسبورگ)

- ایجاد ذخایر مشترک ارزی

- ایجاد بانک توسعه گروه بریکس

- اتخاذ مواضع هماهنگ در خصوص بحرانهای مالی و بین المللی

- تشکیل مجمع پارلمانی گروه بریکس

- تصویب دستورالعمل ((حرکت به سوی استراتژی بلندمدت)) برای کشورهای عضو بریکس و طرحی برای کمک به تحکیم روابط آکادمیک (تحقیقات آینده‌نگر، اشتراک‌گذاری دانش، همکاری با محققان و دانشجویان برای گرفتن ویزا، ظرفیت‌سازی علمی، تخصیص کمک‌هزینه برای انجام پروژه‌های علمی و تحقیقاتی بین کشورهای عضو بریکس و ارائه مشاوره سیاسی)

- تأسیس انستیتوی تکنولوژی و نوآوری بریکس، مانند انستیتوی تکنولوژی و نوآوری اروپا

۱-۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی و سیاست موازنه نرم

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در حالی به پیروزی رسید که جهان آشکارا به صحنه تقابل دو قطب قدرتمند ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شده بود. ظهور انقلاب اسلامی با منطقی جدید و کاملاً متفاوت، هر دو بلوک را با مبانی فکری منحصر به فرد خود نفی می کرد. (موسوی، ۱۳۸۷) این نفی وابستگی به بلوک‌های قدرتمند جهانی از ابتدا در مواضع رهبری انقلاب و شعارهای مردم خصوصاً در شعار و اصل نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی به منصف ظهور رسید. سیاست نه شرقی نه غربی در واقع وضعیت موجود نظام بین الملل را ظالمانه و صرفاً برپایه حفظ منافع قدرتهای بزرگ و استعمارگر می دانست. استقلال و نفی وابستگی به قدرت‌های جهانی در جریان انقلاب مردم ایران آنچنان اهمیت یافت که علاوه بر اینکه به عنوان یکی از اصول انقلاب اسلامی شناخته می شد، به عنوان یکی از اصول قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی نیز تدوین و با رای مردم تصویب شد. در واقع آنچه که در قانون اساسی به آن به صراحت اشاره شده عدم سلطه‌پذیری کشور در روابط خود با کشورهای مختلف است: در این خصوص می توان به بند ج اصل دوم قانون

اساسی، بند هشتم اصل چهل و سوم، اصول یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و سوم اشاره نمود. تا جاییکه در اصل ۱۵۲ قانون اساسی به صراحت به عدم وابستگی و تعهد کشور به قدرت های بزرگ جهانی اشاره می شود. در مجموع خط مشی و اصول کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان در موارد زیر خلاصه کرد: (عیسی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲) -۱- حفظ استقلال کشور در همه جوانب سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی ... ۲- ممانعت از هرگونه دخالت بیگانگان و محترم شمردن حق همه کشورها در تعیین سرنوشت خود (نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری) ۳- به رسمیت شناختن استقلال و آزادی به عنوان حقوق همه مردم جهان ۴- سعادت انسان در کل جامعه بشری بعنوان آرمان خود ۵- عدالت طلبی و حمایت از تلاش های حق طلبانه ملل و دولتهایی که در برابر مستکبرین در همه جهان مقاومت می کنند. ۶- احترام و پایبندی به قراردادها و معاهدات بین المللی ۷- اعتقاد به حقوق برابر ملتها و کشورها و عدم تعهد در قبال قدرت های سلطه گر ۸- حل اختلافات بین المللی از طریق مسالمت آمیز و پذیرش حکمیت بر اساس حق و عدل ۹- توسعه هر چه بیشتر روابط صلح آمیز و حسنه متقابل با دول غیر محارب ۱۰- همکاری و مشارکت و ایفای نقش سازنده و فعال در تحولات بین المللی ۱۱- توجه به مباحث محیط زیست جهانی و منطقه ای ۱۲- دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی بعنوان میراث مشترک بشری متعلق به تمام جوامع جهانی است ۱۳- منع انعقاد قراردادهایی که می تواند سبب سلطه بیگانه بر کشور گردد.

در این وضعیت، یعنی در فضای چند قطبی ای که با کاهش قدرت و تاثیر گذاری ایالات متحده همراه است، جمهوری اسلامی ایران زمینه مساعدی را برای تامین منافع ملی خود در عرصه های سیاسی و اقتصادی فراهم می بیند. در واقع می توان ادعا نمود به دلایلی که به آن اشاره می شود نظم چند قطبی را می توان به نوعی نظم مطلوب و البته نه آرمانی جمهوری اسلامی در فضای کنونی بین الملل دانست. شکل گیری زمینه های یک نظام چند قطبی می تواند از زیاده خواهی های تک قطب و رویکرد یکجانبه گرایی آن جلوگیری کند و در وهله بعد به تغییر رفتار تک قطب در شرایط موازنه قوا بیانجامد. یکی از پیامدهای مهم این تحولات برای جمهوری اسلامی ایران این است که می تواند بدون تحمل فشارهای آمریکا و در فضای توزیع قدرت، نقش منطقه ای و حتی جهانی خود را افزایش دهد. نتیجه دیگر، استفاده از مولفه های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بویژه منابع عظیم نفت و گاز و قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران است که امکان بازیگری و نقش آفرینی بیش از پیش ایران را در عرصه بین المللی فراهم می کند. (نوایی، ۱۳۹۳) تقویت قدرت

۱. اصل یکصد و پنجاه و دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است. اصل یکصد و پنجاه و سوم: هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.

اقتصادی علاوه بر تاکید توسط رهبر انقلاب به عنوان یکی از اصلی ترین برنامه های روسای جمهور ایران اسلامی از ابتدای انقلاب مطرح شده است. اکنون پس از گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی و علی رغم درگیر نمودن ایران با جنگ هشت ساله تحمیلی و تحریم گسترده و ظالمانه اقتصادی، کشور ایران در سال ۲۰۱۷ رتبه هجدهم اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۷ بر اساس شاخص قدرت خرید، بالغ بر ۱۶۴۴ میلیارد دلار بوده و ایران از این نظر در رتبه ۱۸ جهان قرار گرفته است. با پیش بینی صندوق بین المللی پول، ایران در سال های ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نیز همچنان هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا باقی خواهد ماند اما در سال ۲۰۲۱ با پشت سر گذاشتن اسپانیا، عربستان و کانادا به جایگاه پانزدهم صعود خواهد کرد. (mojnews، ۱۳۹۷) اختلاف ایران و قدرت هژمون جهانی، در موارد مختلف منطقه ای و بین المللی به رویارویی های متعدد مستقیم و غیر مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و ... منجر شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی تلاش گسترده ای برای ایجاد تنش های مرزی، قومی و منطقه ای برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی و جدا نمودن بخش هایی از کشور از سوی قدرت های بزرگ خصوصا امریکا صورت پذیرفت که جنگ تحمیلی و تلاش ها برای تقویت مطالبات استقلال طلبانه در استان های مرزی خصوصا کردستان نمونه های بارزی از این تلاش ها می باشد. مسئله ای که با مقاومت همه جانبه مردم و نظام اسلامی مواجه شده به طوری که جمهوری اسلامی اجازه کم شدن ذره ای از خاک سرزمین خود را پس از پیروزی انقلاب نداده است. در واقع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تصمیم گیران عرصه سیاست خارجی بر تقویت قدرت اقتصادی، مشروعیت زدایی از قدرت برتر، عدم پذیرش سرزمینی و نپذیرفتن واگذاری سرزمین در کنار عدم همکاری با قدرت برتر تاکید داشته اند. جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود عزم راسخی برای موازنه از خود نشان داده و به طور مکرر و مستمر دیپلماسی گیر انداختن را در دستور کار خود قرار داده است.

با توجه به اصولی که در بالا به عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ذکر گردید و نگاهی به عملکرد ایران اسلامی در عرصه بین الملل پس پیروزی انقلاب اسلامی می توان به نوعی عمده عملکرد حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با تئوری موازنه نرم در مواجهه با هژمون جهانی تفسیر نمود.

۴-۲- بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که در بالا به تفصیل اشاره شد، بهترین چارچوب برای تفسیر و تحلیل اقدامات گروه بریکس در عرصه بین‌الملل چارچوب موازنه نرم می‌باشد. بر این اساس کشورهای عضو بریکس با تقویت قدرت اقتصادی خود، مشروعیت زدایی از امریکا، عدم پذیرش سرزمینی و نپذیرفتن واگذاری سرزمین در کنار عدم همکاری با قدرت برتر تلاش نموده اند ضمن نقش آفرینی در عرصه بین‌الملل در حوزه های مختلف ایالات متحده را محدود نمایند. تلاش جهت سوق دادن جهان به سمت نظام چند قطبی و سهم نمودن کشورهای مختلف، خصوصاً قدرت های نوظهوری مانند اعضای بریکس در تصمیم گیری های بین‌المللی و ارائه یک مدل همکاری اقتصادی مشترک در جهان بخشی از اهداف کشورهای عضو بریکس می‌باشد که نزدیکی و همخوانی بالایی با اهداف و رفتار جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل دارد. در واقع جمهوری اسلامی و اعضای بریکس دارای اهداف و روشهای مشترکی در عرصه بین‌الملل، خصوصاً در مواجهه با هژمون جهانی، می‌باشند که می‌تواند زمینه ساز همگرایی هرچه بیشتر ایران و گروه بریکس را فراهم می‌آورد. این همگرایی سبب شده است تا رهبران کشورهای بریکس به صورت مستقل و یا در قالب بریکس در موضوعات مختلف از مواضع جمهوری اسلامی ایران حمایت نموده و حتی از مسئولان ایران جهت حضور در اجلاس سران بریکس دعوت به عمل آورند. حمایت رهبران گروه بریکس از حقوق هسته‌ای ایران، موضع مشترک ایران و بریکس در خصوص بحران های منطقه ای خصوصاً بحران سوریه، موضع مشترک در خصوص برقراری منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در منطقه خاورمیانه، محکوم نمودن ادامه ساخت و ساز شهرک های یهودی نشین در سرزمین های متعلق به فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی، تلاش برای کنار گذاشتن دلار در مبادلات اقتصادی، تنها برخی از مواضع مشترک ایران و اعضای بریکس می‌باشد. اعضای بریکس در حال برداشتن گامهای جدی برای حذف دلار در مبادلات اقتصادی و مالی بین کشورهای خود و حتی کشورهای دیگر می‌باشند. مسئله ای که جمهوری اسلامی در طول سالهای سخت تحریم خود توسط غرب و امریکا مطالبه می‌نماید. بعلاوه اعضای بریکس درصددند تا با بالا بردن مجموع سهمیه های خود در صندوق بین‌المللی پول آنرا به حدی برسانند که بتوانند از حق وتو در این سازمان بهرمنند گردند.

ایران و کشورهای بریکس در عرصه ی مبارزه ی با غرب و رویکردهای مستعمرانه، اشتراک گفتمانی دارند که این را می‌توان در حمایت کشورهای مزبور از حقوق هسته ای ایران بیشتر و بهتر مشاهده کرد. در واقع ایران و اعضای بریکس اهداف مشترکی برای دستیابی به یک نظام بین‌المللی عادلانه‌تر دارند (paydarymelli، ۱۳۹۴)، کشورهایی که مخالف سلطه و استیلای اتحادیه اروپا و آمریکا بر امور اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی هستند به گروه بریکس به عنوان یک

قدرت سیاسی و اقتصادی جایگزین نگاه می‌کنند. با افزایش تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه برنامه هسته‌ای، ایران نیز به گروه بریکس و به ویژه چین و هند به عنوان جایگزین‌های تجارت از دست رفته با اروپا روی خوش نشان داد. سیاست نگاه به شرق در این چهارچوب معنا می‌یابد. کشورهای نوظهور اقتصادی عضو بریکس به ویژه چین، هند، برزیل و روسیه رقابتی جدی را در روند منابع جهانی انرژی در مقایسه با دیگر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه آغاز کرده‌اند و ایران نیز به علت برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی در کنار رشد اقتصادی آن در حوزه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این کشورها به فراخور نیاز به منظور تداوم رشد اقتصادی خود، در پی یافتن شرکای استراتژیک انرژی مطمئن و قابل اتکایی برای خود می‌باشند. بنابراین می‌توان انرژی را از حلقه‌های مهم پیوند ایران با جهان خارج قلمداد نمود که برای ایجاد و گسترش این تعاملات داشتن یک دیپلماسی فعال در زمینه انرژی می‌تواند بسترهای برخورداری از حداکثرسازی منافع در بازار بین‌المللی انرژی را برای ایران به ارمغان آورد، ضمن اینکه قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر قدرت‌های تأثیرگذار در نظام بین‌الملل ارتقاء می‌بخشد. (ایزدی، خوشیانی، ۱۳۹۴: ۶۲) در واقع می‌توان ادعا نمود اتخاذ سیاست موازنه نرم توسط کشورهای عضو بریکس و جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با ایالات متحده، باعث نزدیک تر شدن، سیاست‌ها، منافع و اهداف مشترک کشورهای بریکس و ایران شده است. لذا تقویت روابط و توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی جمهوری اسلامی با اعضای بریکس می‌تواند در دستیابی به اهداف مشترک موثر باشد. به طور مثال موضع مشترک اعضای بریکس خصوصاً چین و روسیه با جمهوری اسلامی ایران در موضوع سوریه و تقسیم کار سیاسی و نظامی صورت گرفته در میان این کشورها در مواجهه میدانی با نیروهای تکفیری توسط ایران و روسیه و مقاومت در برابر فشارهای سیاسی آمریکا و غرب در سازمان ملل با وتوی چین و روسیه سبب شد، تلاش آمریکا و کشورهای غربی در سرنگونی دولت سوریه و تجزیه این کشور با شکست مواجه شود.

با توجه به وجود مؤلفه‌های فراوان و متنوع در همکاری میان ایران و بریکس، برخی عوامل نیز وجود دارند که می‌توانند به عنوان علل و عوامل تهدیدکننده تقویت مناسبات ایران و بریکس عمل کنند و به تضعیف روابط میان آنها بیانجامند از جمله می‌توان به گسترش استفاده از منابع تجدیدپذیر، شکاف‌های موجود میان ایران و روسیه، اختلافات چین و روسیه، چین و هند و وجود نیروها و جریان‌های رقیب در داخل بریکس و آثار آن بر سایر اعضا اشاره نمود. علاوه بر آنها می‌توان عوامل دیگری چون نوع قراردادهای ایران با شرکت‌های خارجی و لزوم ارائه مشوق‌های بیشتر به این شرکت‌ها، افزایش مصرف داخلی گاز طبیعی در ایران، بالا بودن عمر برخی چاه‌های نفت در ایران، برخی مشکلات فنی در صنعت انرژی و

لزوم مدرنیزاسیون آن به همراه تنش‌های سیاسی به‌ویژه در ارتباط با موضوع هسته‌ای از جمله موانع جدی در مسیر مناسبات انرژی با ایران است. (ایزدی، خوشیانی، ۱۳۹۴: ۶۳) در ادامه برخی از چالش‌های پیش روی روابط ایران و اعضای بریکس به صورت مشروح مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱- اختلاف داخلی یا خروج یکی از اعضای بریکس از ائتلاف: اگر چه پیوستن به ائتلاف بریکس یک تصمیم راهبردی از سوی دولت‌های عضو می‌باشد، اما برگزاری انتخابات در کشورهای عضو بریکس و تغییر دولت‌ها می‌تواند زمینه ساز تغییر رویکرد اعضا، کاهش سطح همکاری یا حتی خروج از بریکس شود. به طور مثال روی کار آمدن ژائیر بولسونارو در انتخابات ۲۰۱۹ برزیل، که دارای گرایش‌های راست افراطی می‌باشد و روابط نزدیکی با ایالات متحده دارد، می‌تواند به اتحاد بریکس و روابط آن با ایران خدشه وارد نماید. علی‌رغم اینکه چین اصلی‌ترین شریک تجاری برزیل است و در سال ۲۰۱۸ میلادی ۲۷٫۸ درصد از صادراتش را به خود اختصاص داده است، اما بولسونارو حین کمپین انتخابات ریاست جمهوری گفته بود که مایل است که چین در برزیل خرید کند، نه اینکه برزیل را بخرد. (isna، ۱۳۹۷) اعلام آمادگی برزیل برای تاسیس پایگاه نظامی آمریکا در این کشور و امکان تغییر سفارت برزیل در اسرائیل به قدس و حمایت دولت برزیل از گوایدو (رهبر اپوزیسیون و رئیس جمهور خود خوانده ونزوئلا) نمونه‌های دیگری از تغییر موضع برزیل نسبت به دولت قبل برزیل می‌باشد که دارای تضاد با مواضع اعضای دیگر بریکس است. روی کار آمدن دولت راست افراطی در برزیل بر روابط این کشور که بزرگترین شریک تجاری ایران در منطقه آمریکای لاتین می‌باشد نیز تاثیر منفی گذاشته و این روابط را تهدید می‌کند. ارنستو آراخو وزیر خارجه برزیل، پیش از انتخاب به این عنوان سابقه بیان اظهارات خصمانه درباره ایران داشته است. ادواردو بولسونارو، پسر رئیس جمهوری منتخب هم پیش از انتخابات گفته بود که پیروزی پدرش به معنای پایان روابط دوستانه ایران و برزیل خواهد بود. (امان، ۱۳۹۷)

۲- ناهمگونی اقتصادی اعضای بریکس: کشورهای عضو بریکس سطح اقتصادی یکسان و برابری ندارند. در حالیکه در سال ۲۰۱۸ میلادی تولید ناخالص داخلی چین رقم بر اساس شاخص قدرت خرید برابر ۲۵،۲۷۰ میلیارد دلار بوده است. این رقم برای هند ۱۰،۵۰۵، روسیه ۴،۱۶۸، برزیل ۳،۳۶۵ و برای آفریقای جنوبی ۷۹۴ میلیارد دلار بوده است. (imf, 2019) این تفاوت مشهود اقتصادی میان اعضای بریکس خصوصاً چین و آفریقای جنوبی، جایگاه و نقش‌های

¹ . Jair Bolsonaro

متفاوتی را در عرصه اقتصادی برای کشورهای بریکس ایجاد نموده است. بر همین اساس نمی توان یک نوع رابطه یکسان و هم سطح برای جمهوری اسلامی و همه اعضای بریکس تعریف نمود.

۳- تحریم های ایالات متحده بر علیه ایران: تحریم های ایالات متحده امریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران که با خروج این کشور از توافق برجام به صورت گسترده آغاز شد یکی از اصلی ترین چالش های روابط ایران و اعضای بریکس می باشد. هرکدام از اعضای بریکس به صورت جداگانه دارای روابط مالی و تجاری گسترده ای با ایالات متحده می باشند و تحریم های گسترده و سخت گیرانه امریکا بر علیه ایران می تواند به مانعی برای روابط اقتصادی اعضای بریکس با جمهوری اسلامی تبدیل شود.

نتیجه گیری

دوران پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، دوران تک قطبی جهانی به رهبری هژمون بین الملل یعنی امریکا نام گرفت. کاهش تدریجی و ملموس قدرت بلامنازع امریکا در سالهای اخیر، جایگاه این کشور به عنوان هژمون بین المللی را با تهدیدی جدی مواجه نمود. ناتوانی در مدیریت بحرانهای مالی و سیاسی بین المللی توسط امریکا و ظهور کنشگران جدید در عرصه های اقتصادی، امنیتی و بین المللی نشانه های از افول قدرت هژمون جهانی و تغییر آرام ساختار تک قطبی جهانی به سوی نظام چند قطبی است. ظهور قدرت های جدید اقتصادی مانند چین، روسیه، هند، برزیل ضمن تغییر معادلات اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان زمینه را برای سهم خواهی بیشتر این کشورها در مدیریت جهانی فراهم نموده است. این کشورها به همراه افریقای جنوبی، به سبب بهره مندی از رویکرد تقریبا همسویی که به موضوعات کلان سیاسی و اقتصادی در عرصه بین الملل دارند، توانسته اند با تشکیل گروه کشورهای بریکس به عنوان یکی از قطب های جدید جهانی اعلام موجودیت نمایند.

کشورهای عضو بریکس ضمن تقویت قدرت اقتصادی خود و عدم پذیرش سرزمینی، مشروعیت هژمون را زیر سوال می برند، با ایالات متحده در موضوعات متعدد بین الملل همکاری نمی کنند و از دیپلماسی گیر انداختن در برابر این کشور استفاده می کنند. همانطور که به طور مفصل به آن اشاره شد کشورهای گروه بریکس در تعامل خود با ایالات متحده از رویکرد موازنه نرم بهره می برند.

در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای که با توجه به اصول و ارزشهای انقلابی اش از زمان پیروزی انقلاب اسلامی با ایالات متحده رابطه ای پر تنش را تجربه نموده است، ضمن حمایت از قدرت یافتن بازیگران جدید مانند اعضای بریکس، تغییر وضعیت تک قطبی به چند قطبی و تقویت آن را در راستای تامین منافع خود می داند. در واقع میان قدرت یافتن بریکس و تقویت نظام چند قطبی و تامین منافع جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل هم پوشانی قابل توجهی وجود دارد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای بریکس در حوزه های مختلفی مانند تقویت نظام چند قطبی، تضعیف هژمونی ایالات متحده، تغییر ساختار سازمان ملل، وارد نمودن کشورهای جدید در میان اعضای دائم شورای امنیت و کسب حق و تقویت نقش و جایگاه سازمان ها و نهادهای بین المللی بی طرف خصوصا سازمان های منطقه ای مانند شانگهای و سلاک، کاهش وابستگی اقتصاد جهانی به اقتصاد امریکا و حذف دلار امریکا از مبادلات بین کشورها، افزایش نقش مردم

کشورها در تعیین سرنوشت خود، مبارزه با افراط گرایی مذهبی، تقویت فرهنگ ملی کشورها و مبارزه با استیلای فرهنگ امریکایی، کاهش قدرت امریکا و غرب در نهادهای مالی بین المللی، و... دارای همگرایی مشهودی می باشد. این همگرایی زمینه ساز همکاری گسترده جمهوری اسلامی و بریکس در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی شده است. سازمان یافتن و هوشمند عمل کردن کشورهای همسوی با بریکس و جمهوری اسلامی ایران در نظام بین الملل در حال گذار می تواند آنها را برای کسب جایگاه بهتر و شایسته تر در نظم جهان آینده مهیا سازد. ضمن مثبت ارزیابی کردن عدم شتاب در شکل دهی به این قطب جدید قدرت در عرصه جهان امروز، باید به این نکته مهم نیز توجه کرد که سرعت حوادث به گونه ای است که کوچکترین غفلت و کندی می تواند نتایج غیر قابل جبرانی را برای جبهه مقاومت در برابر هژمونی غرب و ایالات متحده امریکا در بر داشته باشد.

منابع:

- ایزدی، جهانبخش، مصطفی مطهری خوشینانی، (۱۳۹۴)، ((ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران))، مطالعات روابط بین الملل، پاییز، شماره ۳۱
- باقری، علی، (۱۳۸۴)، نقش فرهنگ در تحول دولت و دین مسلمانان، نشر: مرکز نشر بین الملل
- جهانین، فرزاد، پرتو، فتح الله، (۱۳۹۴)، ((سناریوهای آینده نظام بین الملل و جایگاه جهان اسلام))، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان شماره پیاپی ۴۳
- حسینی اسفیدواجانی، سید مهدی، (۱۳۸۵)، ((سیاست خارجی ایران و نظام بین الملل کنونی))، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۲۶
- حسینی، سید محمد، مبینی دهکردی، عبد... (۱۳۹۳)، ((بیداری اسلامی، سناریوی فرهنگی منتخب جمهوری اسلامی ایران))، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۳
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۴)، ((نظام بین الملل آینده و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران))، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده
- دینی ترکمانی علی، (۱۳۹۱)، ((چشم انداز نظام اقتصاد بین الملل: رویکرد آینده پژوهی))، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۱، بهار
- رضایی اسکندری، داوود، (۱۳۹۳)، ((بریکس، تشکلی برای مقابله با سیطره غرب))، سایت دیپلماسی ایرانی

- شفیعی، نوذر، (۱۳۸۹)، ((تبیین روابط چین و آمریکا در برابر سازمان همکاری شانگهای))، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان
- شیرخانی محمد علی، (۱۳۹۳)، ((موازنه نرم بریکس و چالش برتری امریکا))، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره سوم، سال نهم تابستان
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۵)، ((روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها))، تهران، انتشارات سمت
- کرمی جهانگیر، (۱۳۹۳)، ((الگوهای ضد هژمونیک ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی))، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵، بهار
- هانتینگتون ساموئل مترجم: امیری وحید، مجتبی، (۱۳۷۸)، ((آمریکا: ابرقدرت تنها؛ گذار از نظام تک قطبی - چند قطبی))، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۱-۱۴۲
- شفیعی، نوذر: نظریه‌های رایج درباره ساختار نظام بین‌الملل www.political.ir، ۱۷ آذر ۱۳۹۷
- موسوی، سید محمد رضا، انقلاب اسلامی ایران تحولی در اندیشه سیاسی جهان، پایگاه جامعه تاریخ معاصر ایران، www.avapress.com، ۲۰ آذر ۱۳۹۶
- نوایی، فرهاد، ایران و فرصتهای نظام چند قطبی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در ۲۷ مهر، ۱۳۹۳
www.peace-ipsc.org
- داوود رضایی اسکندری، (۱۳۹۳)، بریکس، تشکلی برای مقابله با سیطره غرب، سایت دیپلماسی ایرانی
- گروه بریکس؛ چیستی، اهمیت و زمینه‌های همکاری با ایران، ۱۳۹۴، www.paydarymelli.ir
- عیسی زاده، محمد، راهبردهای سیاست خارجی در قانون اساسی، خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳۸۴،
www.iusnews.ir
- پیش‌بینی اقتصادهای بزرگ جهان در سال ۲۰۲۱/ سهم ایران از آینده اقتصاد جهانی، www.mojnews.com، ۰۴/۰۶/۱۳۹۷
- امان، فاطمه، روابط برزیل و ایران با ریاست جمهوری بولسونارو را دوام می‌آورد؟ ۲۳ آذر ۱۳۹۷ شورای آتلانتیک، تحریریه دیپلماسی ایرانی، ۳۴، www.irdiplomacy.ir
- "Report for Selected Country Groups and Subjects (PPP valuation of country GDP)". IMF. Retrieved 10 April 2019: www.imf.org

- Countries in the world by population (2019), <https://www.worldometers.info/world-population/population-by-country/>
- Global Trends 2025: A Transformed World. National Intelligence Council, 2008: www.files.ethz.ch
- Gross domestic product based on purchasing-power-parity (PPP) valuation of country GDP; Current international dollar". International Monetary Fund. October 2015. Retrieved 11 October 2015.
- Report for Selected Country Groups and Subjects (PPP valuation of country GDP)". IMF. Retrieved October 18, 2015. line feed character in |title= at position 48
- Report for Selected Country Groups and Subjects". World Economic Outlook . International Monetary Fund. April 2016.
- The World in 2050 Will the shift in global economic power continue? February 2015, PricewaterhouseCoopers: www.pwc.com
- World Economic Outlook Database, April 2019, International Monetary Fund]. Database updated in April 2019. Accessed on 12 April 2019: www.imf.org/
- World Economic Outlook Database, October 2015, International Monetary Fund. Database updated on 6 October 2015. Accessed on 6 October 2015.
- World Economic Outlook . International Monetary Fund April 2016 : www.imf.org
- BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran
- BRICS is the acronym for an association of five major emerging national economies: Brazil, Russia, India, China and South Africa. Originally the first four were grouped as "BRIC" (or "the BRICs"), before the induction of South Africa in 2010. The BRICS members are all leading developing or newly industrialized countries, but they are distinguished by their large, sometimes fast-growing economies and significant influence on regional affairs; all five are G-20 members. As of 2015, the five BRICS countries represent over 3.6 billion people, or about 41% of the world population; all five members are in the top 25 of the world by population, and four are in the top 10. The five nations have a combined nominal GDP of US\$16.6 trillion, equivalent to approximately 22% of the gross world product, combined GDP (PPP) of around US\$37 trillion and an estimated US\$4 trillion in combined foreign reserves Overall the BRICS are forecasted to expand 4.6% in 2016, from an estimated growth of 3.9% in 2015. The World Bank expects BRICS growth to pick up to 5.3% in 2017. In this article analyze Foreign

Policy Strategies of the Islamic Republic of Iran and BRICS politics in the international system.

- International system, Emerging Powers, multipolar, BRICS, The foreign policy of Islamic Republic of Iran